

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبداللطیف صدیقی لندری
کانادا - یازدهم جولای 2011

از اشعار دوران دربدری در پاکستان

(دوبیتی ها و رباعیات)

(قسمت دهم)

با اطمینانی که از نوشته پرلطف مؤرخ 22 اپریل 2011 (صفحه 23 اپریل 2011) نویسنده و شاعر توانا و مبارز انجنیر صاحب معرفی حاصل گردید، اینک بسته اشعار دوران دربدری و بی سرنوشتی اقامت پاکستان خود را تقدیم نمودم، تا بعد از تصحیح و پیرایش لازم، به تدریج افتخار نشر را در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" پیدا کند. بدینوسیله از جناب شان و تمامی متصدیان معزز پورتال عزیز و باوقار ما صمیمانه سپاسگزارم.

برخیز بنا! به سوی ما باز بیا
بگسل ز رقیب و پس بیا در بر ما
نذرانه اگر کنی ز لطف به لطیف
یک بوسه بده زکات حسنت به گدا

کجا شد همزبان و آشنا
صدایم شد طنین ناله هایم
کسی از غم بمن اشکی نیفشاند
همه بوده به من بیگانه هایم

چرا یارجان سر یاری نداری
نظر سویم ز دلداری نداری
سیه چشم کمان ابروی، جانا
به من لطف و وفاداری نداری

ای یارک من سرو خرامان منی
چون نخل حیات جان در جان منی
روز و شب من ز غم بصد ناله و آه
تا جان بُوَدَم در دل جانان منی

درون سینه ام باری نفس نیست
تو باشی یاورم دیگر هوس نیست
نفس در سینه تنگ آمد خداجان
تو گردی همدم، حاجت به کس نیست

من به هنگامی که رفتم از فنا سوی بقا
توشه ای در بر ندارم جز غفوری ترا
تو روا کن حاجتم ای قاضی حاجتروا
تا کنم در آخرت صد شکر نعمت را بجا

یارب ز کرم لطف به بیچاره نما
بر جان من خسته و آواره نما
ره دور بود بسی و کو توشه من؟
رحمی بدل خراب و صدپاره نما
